۱۷ مرداد روز خبرنگار

پرونده روز خبرنگار

نوید محمودی
(تهیه‌کننده فیلم چندمترمکعب عشق)

شهید آوینی؛ خبرنگاری بی‌همتا

من تو مدرسه بودم که خبر شهادت شهید آوینی توی تهران پیچید. همیشه تصاویر جنگ در دوران دفاع‌مقدس با آوینی برام معنی پیدا می‌کرد، آوینی و خدای بی‌نظیرش. در واقع جدی‌ترین خبرنگار توی ذهن اون روزهای من که کودک بودم، شهید آوینی بود. بزرگ شدم و بزرگ‌تر و خبرها هم بزرگ شدن و پیچیده‌تر. امروزه اما به هیچ خبرنگار و گزارشگری مثل آوینی نگاه نمی‌کنم اما به خبرها دقت می‌کنم و می‌دونم پُشتِ جون گرفتن هر کدوم از این خبرها، انسانی تلاش می‌کند. خبرهای امروز بیشتر خبرهایی هستند که سعی می‌کنند در لحظه اول آدم را غافلگیر کنند و من با بسیاری از اخباری که شنیدم در زمان‌های مختلف غافلگیر شدم. پس به تمام دوستانم که من رو با خبرهایی که به اون‌ها جون دادن، غافلگیر کردند، روز خبرنگار رو تبریک می‌گم.

■■■

علی قوی‌تن (نویسنده، کارگردان و نقاش)

درباره خبرنگار

خبرنگار یعنی موجودی به نام لازم، ما انسان‌ها در زندگی برای پیشرفت و تکامل خود و جامعه نیازهایی داریم که آن نیازها به وسیله افراد لازم در جامعه فراهم می‌شود. خبرنگار در مغز آدم‌ها جریان دارد و جزو لازم‌های حیات بشریت است. شغل خبرنگاری در دسته سخت‌ترین شغل‌ها قرار می‌گیرد، مانند کار در معدن، او باید کوهی از سنگ را با دستان خالی بکند تا اندکی طلا استخراج کند. خبر، نوعی طلاست که خبرنگار باید آن را با مشقتِ فکر و ذهن به دست آورد. خبرنگار مغز پویای رسانه به حساب می‌آید.

■■■

صادق صادق‌دقیقی (کارگردان فیلم تا آمدن احمد)

درود بر خبرنگاران

درود بر خبرنگارانی که سفیران صلح و دوستی‌اند. درود بر خبرنگارانی که مروج صداقت و آزادی‌اند. درود بر خبرنگارانی که با شهامت از کیان خود حلاج‌وار صیانت می‌کنند. درود بر خبرنگارانی که خون می‌دهند تا خونی ریخته نشود. درود بر خبرنگارانی که سیاهی را کنار می‌زنند و رسول نور و رحمت می‌شوند. درود بر خبرنگاران سترگ و خستگی‌ناپذیر که راه خدمت به انسانیت را انتخاب کرده‌اند. درود بر خبرنگارانی که برای رسیدن به اوج، فر و شکوه کشور می‌کوشند. درود بر خبرنگارانی که برای زنده نگه داشتن یاد و نام شهدا خود به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. درود بر خبرنگارانی که با چشمان تیزبین خود عرصه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و... را واکاوی می‌کنند و با شهامت، تصمیمات نادرست بعضی از مسؤولان را گوشزد می‌کنند. درود و هزاران درود بر شما سرداران این عرصه شریف. روزتان خجسته باد.

■■■

علی ملاقلی‌پور (کارگردان فیلم قندون جهیزیه)

تعهد خبرنگاری

وقتی سال‌ها شاگردی می‌کنی، عجله نمی‌کنی، سعی می‌کنی کار یاد بگیری و بخونی و تا حد توان فوت و فن یاد بگیری که وقتی فیلم می‌سازی کار خوبی بشه... ولی بعد به‌راحتی کنارت می‌ذارن و بعضی جاها چون اینقدر صنم هست که به تو و فیلمت اجازه دیده شدن نمی‌دن، احساس بایکوت شدن رو خوب می‌فهمی و هر چه راهروها رو بری و بیای و جواب نگیری فقط ممکنه یه جا تریبون بهت بدن و کسی که کارش خبرنگاریه فقط به واسطه تعهد کاریش متوجه شرایط تو بشه... احساس رهایی و فرار می‌کنی و واله‌وار به شرایط حاکم و جبر ناخواسته می‌تونی شک کنی و فریادش بزنی. روز خبرنگار به همه خبرنگاران صادق و متعهد مبارک. کسانی که در مسیر بازتاب فیلم «قندون جهیزیه» دستم را گرفتند. امید که شیرین‌کام باشید.

■■■

شهدای اقتدار فرهنگی ایران اسلامی تجلیل شدند

شهدای اقتدار فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در همایشی به مناسبت روز جهانی «حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی» تجلیل شدند. به گزارش تسنیم، همایشی با عنوان «محاکمه مردمی تروریسم جهانی» در مجتمع امام علی(ع) تهران برگزار شد و طی آن از شهدای اقتدار فرهنگی تجلیل به عمل آمد. رونمایی از تندیس همایش «محاکمه مردمی تروریسم جهانی» همچنین اجرای تئاتر سه‌پرده‌ای در معرفی چگونگی تولد داعش و جنایات این گروه تروریستی از برنامه‌های جنبی این همایش مردمی بود.

بررسی جایگاه رسانه در شکل‌بخشی به نظام تفکری جامعه به مناسبت روز خبرنگار

به پاسداشت نگاهی که رو به روشنی است

مرتضی اسماعیل‌دوست: ۱۷ مردادماه هر سال، سالروز شهادت محمود صارمی، عنوان خبرنگار به خود گرفته است. تاریخی از هزاران روزی که حاملان خبر با نگاهی تعهدگرایانه به دنبال فرآیند جان‌بخشی به دانایی جامعه هستند و سلسله‌گام‌های جست‌وجوگرایانه خود را از سوژه‌یابی تا تصویرگری رخدادها به حرکت وامی‌دارند. برای قشری زحمتکش که رسالتی عظیم را بر دوش خود احساس می‌کند، یادبخشی به این سالروز می‌تواند به خودپنداری منجر شود، چرا که در روزگار فراموشی یادها و سردی تقدیرها، برای آنان که بدون هیاهوهای مرسوم و با صدای بی‌صدا به جای پیمودن مسیر جنجال در عمل به دنبال خلق ایده‌ها و پرداخت نکته‌ها هستند، همین بهار خاطره‌یابی خود غنیمتی است. آنان که این حرفه را نه برای بهره مادی بلکه در راستای دردی نهفته در منزلگه عشق برگزیدند و شیرینی نگاهشان را از میان سطور و در قالب واژگانی به رنگ عسل می‌جویند.

خبرنگار، سفیر آگاهی است و رخصت‌بخش دانایی. روشنی آفتاب حق است و روایتگر تلخی‌های جامعه. خبرنگار، شریان رسیدن را با رویای بهروزی پیوند می‌زند و با بهره‌مندی از مهارت‌های تخصصی خبر و دغدغه‌ای ارزنده به دنبال گشایش راز حقایق از میان سنگلاخ پنهانکاری است. در این میان حفظ و حراست از حرفه تخصصی روزنامه‌نگار و رعایت بی‌طرفی و اخلاق رسانه‌ای در برابر وسوسه‌هایی چون پیشنهادات مالی، رفاقت‌هایی دخیل در ثبت حقیقت و عقده‌گشایی‌های شخصی قرار می‌گیرد. از طرفی توجه به جایگاه والای خبرنگار در آگاهی‌بخشی اجتماع و مقابله با نگرش‌هایی وارونه نیاز به حمایت لازم و تامین امنیت و آرامش شغلی این گروه فعال خواهد داشت تا منجر به توانبخشی روحی و در نهایت افزایش کارایی صنف خبرنگار شود. متاسفانه شرایط ناپایداری که برای فعالیت نشریات چاپی و نیز رسانه‌های الکترونیکی وجود دارد، امکان هرگونه برنامه‌ریزی‌های درازمدت را از صاحبان اندیشه سلب کرده است و با همه گفته‌های متولیان امر مبنی بر ایجاد نظام جامع رسانه‌های همگانی، در عمل با شرایطی متزلزل برای طیف روزنامه‌نگار و بویژه منتقدان وضعیت موجود مواجهیم، چنانکه کمترین برخورد با مسائل به منزله هشداری خاموش‌شونده خطاب خواهد شد و این بستر رخداده برای سکوت رسانه‌های منتقد که عرصه را تنها برای همسویان فراهم خواهد کرد، راهی به سرمنزل موفقیت برای کشور نخواهد داشت و این فرآیند معیوب در چرخه‌ای دنباله‌دار موجب دور شدن از بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های رسانه‌ای خواهد شد. آن هم در عصری که به جای موشک‌های جنگ افروز، این رسانه‌ها هستند که دوربردهای تفکر را به کمین گرفته‌اند و با یک کلیک به نزدیک‌ترین همجواری با هر فرهنگی خواهند رسید.

در دهکده جهانی ارتباطات که ردیابی واژه‌ها و اتصال به شبکه‌های همگرایی به فعلیتی عینی رسیده است، تلاش برای به دست آوردن مخاطب از مسیری حقیقی، هنری است که نیاز به شم خبری و دانش‌مداری خواهد داشت تا در این رقابت دشوار و پیچیده بدون دل بستن به زردنمایی و امواجی دروغ‌افکن، به دنبال تصاحب نظرگاه مردمان جامعه باشیم، آن هم مخاطبی که با استفاده از موتورهای جست‌وجوگرایانه به عمق اطلاعات دسترسی خواهد داشت و دیگر در پیله دوران گمراهی نمی‌توان محصورش کرد و با تحولات رخ‌داده در زمینه ارتباطات جمعی و بویژه با گسترش روزافزون فضای مجازی، انتقال داده‌ها از ایجاد تا گسترش، معنای پیشین زمان و مکان را درنوردیده و تحولی شگرف را در ابعادی چندمنظوره به خود گرفته است. البته نوع بهره‌مندی از دستاوردهای نوین تکنولوژی و اتصالات خبری در جهانی مجازی خود حدیثی غمگسارانه در کشور بوده و به دلیل نبود نظام فکری ساختارمند، شرایطی نابسامان برای بهره‌وران این عرصه رخ داده است و این مساله نیاز به چاره‌اندیشی دارد.

فرهنگ رسانه‌ای در چارچوب انتقال مفاهیم ارزنده، اطلاعات پایدار و دانسته‌هایی بایسته شکل می‌یابد و این مسیر نیاز به آگاهانی فرهنگ‌بخش و راهبرانی اندیشه‌مدار خواهد داشت، چرا که وجود رسانه‌های شنیداری، دیداری و نوشتاری می‌تواند همچون شمشیری دو لبه به کارکردی دوسویه ختم شود و از طرفی منجر به فعلیت بخشیدن به نظام تفکری کشور شده و از جهتی ابزاری گمراه‌کننده در مسیر پیمودن افراد جامعه قلمداد شود. تاثیر هویت‌بخش و فرهنگ‌نمای رسانه‌ها و نقش تقابل‌گرایی که در برابر جداسازی و بیگانه‌طلبی خواهند داشت، این چرخه را در استحاله‌ای روشن به تفکری گیرا و راهبرنده قرار می‌دهد و از این رو باید به دنبال شیوه‌های نوینی در راستای توسعه اطلاع‌رسانی و گسترش نحوه خبردهی و تنوع موضوعی و بسط ایده‌های جذاب، خوانا و همراستا بود و هرگونه غفلت و خواب‌زدگی در عرصه امروز اطلاعاتی می‌تواند منجر به دورماندن از جنگ ستارگان خبری جهان شود. این جبهه خبررسانی وقتی اهمیتی صدچندان می‌یابد که سرزمین ایران به دلیل نگاه خودانگاری خود در برابر هجمه اطلاعات دروغ‌افکن رسانه‌هایی قرار دارد که در عرصه جنگ نرم، کیان و ماهیت فرهنگی این مملکت را نشانه گرفته‌اند. تهاجم رسانه‌ای در اشکال مختلف به عنوان برجسته‌ترین مولفه‌های جنگ نرم در جهان کنونی به شمار رفته و براساس تبیین روش‌هایی برای تسلط بر افکار طرح‌ریزی شده و تحت شیوه‌هایی چون تاکتیک حذف رقیب، کوچک‌نمایی و تبخیر داده‌های حقیقی و موج دروغ‌افکنی و وارونه‌نمایی به اجرا درمی‌آید و این تکنیک انگاره‌سازی در جنگ نرم به مثابه تحلیل قوای فرهنگی مخاطب ایرانی کاربرد می‌یابد. بدین منظور برای ساختارزدایی این نظام معنایی باید بتوان از طریق نشانه‌شناسی در بافت عملکرد رسانه‌های سلطه‌گر به تحلیل پرداخت و در اتاق فکر رسانه‌ای کشور، عوامل بازدارنده این بمب‌افکنی‌های غرض‌ورزانه را ردیابی کرد.

روزنامه‌نگاری، منشأ ورود به جهانی راهگشاست. سمفونی هدفمندی که نگاهی رو به افق را نشانه می‌گیرد و به انسان گمگشته در عصر برخورد نظریه‌ها، چشم‌انداز زیبایی می‌بخشد. ارتقای بسترهای پیشرفت در سایه دعوت به تحرک اندیشه و رنگ‌آمیزی به اندوخته‌های ذهنی در سایه نقد و نظرگاهی است که از دامان واژه به عصاره ناب خردمندی می‌رسد و پرواز جادویی دانایی را در جهانی پویا و غیرایستا سامان می‌بخشد، چرا که جهان رسانه‌ها، تابلویی بی‌همتا از طرح‌های حقیقت‌جویی، عدالت‌خواهی و زیباشناسی را در گستره تاریخ نمایان ساخته و رسانه‌ها ابزاری شدند برای شکافت نسل‌ها، یادآوری خاطرات و تحرک نظریات. همانا در عصر تنهایی و غربت و دورشدن آدمیان از هم، نقش همراهی‌بخش رسانه‌ها برای آدمی بیشتر به چشم می‌آید، چنانکه مک لوهان، نظریه‌پرداز رسانه‌ای، وسایل ارتباطی امروز را به عنوان عصاره تمدن برشمرده است.

در سالروز گرامیداشت حرمت خبرنگار، پرونده‌ای در این صفحه بازگشایی می‌شود که ضمن تحلیل چشم‌انداز رسانه و تبیین جایگاه وزین وسایل ارتباط جمعی در شکل‌بخشی به تفکری ناب و زلال و حقیقی، بستری است برای طرح پرسش از انتظارات متقابل رسانه و مخاطب، منتقد و خالق هنر و هم‌افزایی خواسته‌ها و برآورد دغدغه‌های متقابلی که در سویه‌های مختلف فکری می‌توان فراهم کرد تا از این طریق پلی میان رسانه، مخاطب و هنرمند فراهم شود. در این مسیر نیاز است که شکل همکاری و حفظ جایگاه طرفین به‌خوبی از طرف ۳ ضلع عنوان‌شده فراهم شود تا ضمن اعلام نظرگاه‌ها و بیان معضلات، بتوان در مسیری راهگشا اقدام به طرح مسائل و نقد اثر کرد. در این راه نیاز است که فهم درستی از سوی خالقان اثر برای نگاه کارگشای اصحاب رسانه و منتقد آگاه وجود داشته باشد تا به دور از هر گونه مرزبندی‌های ارتباطی و گریز از انتقادپذیری به دنبال ارزش نهادن به جایگاه گرانقدر صاحبان قلم باشند.

متاسفانه در ایران به دلایل مختلف که عمده‌ترین آنها نبود درک مناسب نزد برخی از هنرمندان و عدم حفظ شأن روزنامه‌نگاری از سوی برخی از عوامل ناآگاه خبررسان است، این ارتباط لازم و ملزوم میان رسانه و صاحب اثر به بیابانی دورافتاده رسیده است. از سویی گروهی به ظاهر خبرنگار رمز همگرایی را در کافه‌نشینی و همجواری‌های ارادت‌ورزانه با هنرمند می‌جویند که به‌خوبی این نوع ارتباط مسموم را می‌توان در میان اخبار دلبرانه، نقدهای توصیف‌بخش و مصاحبه‌های خاطرخواهانه جست! هم آنان که به جای کشف حقیقت، وسوسه عکس‌های یادگاری با هنرمند را در آرشیو کاری خود دارند و این حرفه گرانقدر را چنان به نزول کشانده‌اند که برخی از عوامل هنری به خود اجازه می‌دهند که برای تفسیر محتوا و ماهیت و شکل گفت‌وگوی مصاحبه‌کننده، تعیین‌تکلیف کنند و حتما از این رو گروهی را که خواهان این نوع مراودات غیرحرفه‌ای و بی‌دغدغه‌مند نیستند، از پذیرش به کاخ رویاهاشان دور خواهند داشت! این رباعی موش و گربه‌بازی داستان‌های بسیاری در این سال‌ها به خود گرفته که «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل»... .

متاسفانه فضای نقادی در این برهه به ظاهر آزادمنشانه چنان بوده که به جای کاوشگری اثر به حاشیه‌های نهفته در پیرامون آن پرداخته می‌شود و در این سیطره حاشیه بر متن، آنچه در مسیری طرد می‌نشیند، ماهیت و ساختار زیبایی‌شناسانه هنر در بستر اثر خواهد بود. در این آشفته‌بازار بی‌دانشی، عاملان هیاهو از صاحبان اندیشه پیشی می‌گیرند و اصل و فرع به هم دوخته شده و غیرقابل تفکیک می‌نماید. از این رو کارگردانی که از ساختار سینمایی و فرم روایی بهره‌ای نبرده، خبر از لحن متمایز پرداخت در اثرش می‌زند و در میان جفنگ‌گویی کاراکترهایی بی‌ریشه، سودای سینمایی اجتماعی سر می‌دهد! و نویسنده‌ای که یک‌سره خاطره‌گویی‌های شخصی را تحت تعاریف داستان‌گویی مینی‌مالیستی به پیش می‌برد، در مصاحبه‌های خود، ادعای ساخت شمایلی نوین در ادبیات مدرن روا می‌دارد! از این توهم‌گرایی مرسوم و بزرگنمایی‌های رسانه‌ای بسیار می‌توان مثال آورد و از افرادی نام برد که براساس شیوه مستعمل بادانگارانه و با توجه به اقتضای موقعیت در هر دوره‌ای به یک سو و جناح و راسته گرایش می‌یابند و همچون آثارشان بدون وجود وحدتی مشخص در تفکر و انتخاب مسیر به دنبال چرخه روشنی از فصول کاشت، داشت و برداشت محصول هستند و البته بذر نشان‌شده چنان دور از اندیشه و غریب با فرهنگ این دیار است که ثمره‌ای جز ابتذال از آن حاصل نخواهد شد! به یقین این گروه خودشیفته که با وجود توسعه علم ارتباطات هنوز از تجلی بازتاب رسانه بی‌بهره‌اند و تنها به بُعد تبلیغاتی آن که مبتنی بر بزرگنمایی اثر و بها دادن به سازنده خواهد بود، دل بسته‌اند، از دیگر مناظر رسالت‌بخش رسانه مبنی بر آگاهی‌بخشی و تحلیل پدیده‌های هنری، غفلت خواهند کرد. این به‌ظاهر هنرمندان در عصر یخبندان خود به سر خواهند برد و به دنبال تفکری خنثی و یک‌سویه می‌گردند و همچنان در چرخه‌ای ناکوک با جهان معاصر به سر می‌برند که به دنبال تجربه مفاهیم نوینی است.

در پرونده پیش‌رو که به مناسبت روز خبرنگار طرح‌ریزی شده است، دوستانی هنرمند و ادیب، دعوت نگارنده را مبنی بر نگارش متنی همراستا با این روز پذیرفتند تا واژگانی به رنگ دوستی و همگرایی را به لطف خردمندی خود در اختیار این صفحه قرار دهند. افرادی که به‌خوبی از نقش و جایگاه متقابل عنوان‌شده آگاه بوده و ضمن شناخت از شرایط حرفه‌ای هنرمند و اصحاب رسانه به فهم مناسبی از ارتباط اضلاع موثر در این چرخه که شامل مخاطب، رسانه و هنرمند باشد، رسیده‌اند. به طور حتم افراد دیگری هم می‌توانستند در این نظرگاه قرار گیرند و حتی امید بر این بود که این روز فرصتی باشد برای موشکافی جایگاهی که هریک از این اضلاع بر هم انتظار دارند و البته این صفحه می‌تواند گشایشی باشد برای استفاده بیشتر از نظرات، پیشنهادات و همدلی‌هایی موثر که منتهی به قالبی ارزنده و مناسب برای بهره‌مندی همگان شود. یکی از افراد گرانقدری که قرار بر نگارش متنی برای این صفحه داشت، مهرداد غفارزاده، کارگردان ارزنده سینمای ایران بود که شب چهارشنبه گذشته مادر ارجمند خود را از دست داد که از این طریق به ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

ضمن تشکر از احمد یوسف‌زاده، علی قوی‌تن، صادق صادق‌دقیقی، علی ملاقلی‌پور و نوید محمودی که نوشته‌های اختصاصی برای روز خبرنگار را در اختیار «وطن‌امروز» قرار دادند، این صفحه را تقدیم می‌دارم به کاظم اخوان، خبرنگار و عکاس ربوده شده ایران در لبنان و نیز یادی خواهم داشت از همکار و جوان درگذشته حسین جوادی و همه مردان بزرگی که در مسیر عشق، راهی دلنشین را پیمودند.

■■■

احمد یوسف‌زاده (نویسنده کتاب آن بیست‌وسه نفر)

مجاهدان عرصه خبر

تصور کنید دنیای بی‌خبرنگار را، اگر خبرنگار نبود آن وقت اسرائیل خفت شکست جنگ ۳۳ روزه را نمی‌کشید، خون محمدالدوره و کودکان فلسطین زیر چکمه سربازان صهیونیست محو می‌شد، مظلومیت نعش‌های سرگردان روی خلیج‌فارس خواب ویلیام راجرز، فرمانده ناو وینسنس را تا روز مرگ آشفته نمی‌کرد، آن وقت راز خونخوارگی سربازان آمریکایی در سلول‌های ابوغریب و گوانتانامو دفن می‌شد، اگر خبرنگار نبود خائن حرمین شریفین حتی با کشتن کودکان یمنی همچنان خادم حرمین باقی می‌ماند، اگر خبرنگار نبود حاکمان دنیا را طوری دیگر به جهانیان معرفی می‌کردند. اگر خبرنگار نبود، اگر آینه رسانه‌ها نبود چه کسی می‌توانست بر دهان زیاده‌خواه حاکمان و مسؤولان دنیا لجامی از جنس عکس و واژه و فیلم بزند که خودخواه و مستبد به رأی نباشند، که در پیشگاه ملت‌ها پاسخگوی کرده‌ها و ناکرده‌های خود باشند؟ خبرنگار کیست؟ کسی که در زوایای تاریک حکومت حاکمان به چراغ قلم و ابزارش نور می‌تاباند تا کسی از دیوار بلند حاشا بالا نرود. در کشور ما، هر سال ۱۷ مرداد که می‌شود پیامک‌های رنگین تقدیر و تشکر، گوشی این جماعت مظلوم را به صدا درمی‌آورد اما دریغ که فقط یک روز در سال ۱۷ مرداد است و باقی روزها این نام مقدس از زبان‌ها می‌افتد. دیگر کسی نمی‌پرسد صاحب فلان عکس، صاحب فلان خبر و گزارش تاوان افشای کدام راز سر به مهر را می‌دهد که باید بدود در راهروهای دراز دادگاه‌ها؟ سهم صاحبان قلم سالانه از طرد، توهین و تحقیر چقدر است؟ ما فقط یاد گرفته‌ایم مجاهدان عرصه خبر که ناجیان زمین و مصلحان حکومتند را به پیامکی و یحتمل شامی و کلاسور و خودکاری بنوازیم، بی‌آنکه بدانیم مرارت و سختی کارشان در چه حد و اندازه‌هایی است. امروز روز خبرنگار است، روز قشری که سنگ همه را به سینه می‌زند غیر از خودش. روز خبرنگار مبارک، تا ۱۷ مردادی دیگر... .

رویدادها

حمایت جمعی از زنان فعال فرهنگی از بهنوش بختیاری

جمعی از زنان فعال فرهنگی در نامه‌ای اعتراضی به نشریات توهین‌کننده به بازیگر زن کشورمان، خواستار عذرخواهی رسانه‌های هتاک به وی شدند. به گزارش «نسیم»، چند روز قبل بهنوش بختیاری در واکنش به مذاکرات هسته‌ای اظهارنظری جالب را ابراز داشت، اما یک روز بعد از انتشار اظهارنظر وی رسانه‌های اصلاح‌طلب با هتاکی و توهین نسبت به وی واکنش نشان دادند. به همین خاطر جمعی از فعالان فرهنگی کشور که در زمره آنها نویسندگان، شاعران، خبرنگاران و فعالان فرهنگی تشکل‌های دانشجویی کشور به چشم می‌خورد در نامه‌ای اعتراضی به روزنامه‌های توهین‌کننده به بهنوش بختیاری، بازیگر زن کشورمان، ضمن حمایت از این بازیگر و «آزادی بیان»، خواستار عذرخواهی رسانه‌های هتاک به وی شدند. در بخشی از نامه تنظیم‌شده در حمایت از بهنوش بختیاری آمده است: «هر کس در جمهوری اسلامی آزاد است که عقیده‌اش را بیان کند و کسی حق تعرض به او را نخواهد داشت؛ «زنده باد مخالف من!» شعاری بود که جریان اصلاح‌طلب با آن دم از آزادی‌بیان می‌زد؛ حال چه شده است که هر کس در جمهوری اسلامی نظری مخالف نظر آنها را داشته باشد با دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای این جناح سیاسی تیرباران می‌شود. جرم بهنوش بختیاری جز ابراز نظرش در خصوص توافقات هسته‌ای چه بود که بایستی به او این توهین‌ها روا داشته شود؟ البته در این ورطه فقط او نیست که محصور است و در صورت بیان سخنی مخالف این جریان مدعی آزادی‌بیان تخطئه می‌شود. هنوز یادمان نرفته با شهاب حسینی، ابوالقاسم طالبی، علیرام نورایی، پروانه معصومی، هنگامه قاضیانی، مریلا زارعی، نرگس آبیار و خیلی دیگر از هنرمندان کشور به جرم دفاع از ارزش‌ها چگونه رفتار شد و از سوی این جریان شبه‌روشنفکری چه برخوردی صورت گرفت. ما به نمایندگی از زنان ایران زمین که دغدغه استقلال، فرهنگ، پیشرفت و امنیت کشور را داریم می‌گوییم که هیچ کس حق ندارد به بهنوش بختیاری و هر کس دیگری به جرم بیان عقایدش تعرض کند و اتفاقا بایستی دغدغه هنرمند ایرانی در این‌باره مورد ستایش قرار گیرد.

■■■

احمد نجفی:

برای مذاکره‌ای که هنوز اجرایش مشخص نیست، نباید جشن گرفت

احمد نجفی درباره مذاکرات هسته‌ای معتقد است نباید نسبت به مذاکراتی که مشخص نیست، جشن گرفت. به گزارش آوینی فیلم، احمد نجفی، بازیگر قدیمی سینمای ایران درباره وضعیت رژیم‌صهیونیستی افزود: رژیم‌صهیونیستی، ذره‌ذره به انزوا خواهد رفت. آنها مانند همیشه به دشمنی خود با ایران ادامه می‌دهند، چون می‌دانند ما چه قدرتی در منطقه داریم. به طور حتم با نطقی که نتانیاهو درباره توافق داشته، بیشتر از همیشه به ضرر خودشان تمام شده است. نجفی درباره نقش گرانقدر رهبری در اداره کشور افزود: یک واقعیت تاریخی در مورد رهبری وجود دارد که تجربه‌ای گرانبها را به ایشان داده است. اگر طول زندگی حضرت‌آقا را بررسی کنیم خواهیم دید که چه گوهر گرانبهایی وجود دارد که می‌توان از تجربه و نگاه ارزشمند ایشان در اداره کشور استفاده کرد، چرا که ایشان هم با توجه به تجربه ریاست‌جمهوری و کارهای اجرایی و اشراف به مسائل حقوقی و سیاسی و پیمودن مراحل مختلف به خوبی می‌توانند راهنمای کشور باشند. ایشان هر چیزی را که به صلاح کشور باشد به‌خوبی می‌دانند و گوشزد می‌کنند. نجفی ادامه داد: مگر ما در این سال‌های تحریم با همه تلاش‌های دشمن نتوانستیم زندگی کنیم؟ به طور حتم با همه مشکلات ما باید کشور خود را حفظ کنیم و اجازه دخالت دیگران را در اداره کشور ندهیم. باید بتوانیم اجازه نفوذ هر گونه فسادی را در کشور ببندیم، در آن روز می‌توان جشن گرفت، نه مذاکره‌ای که هنوز اجرای آن مشخص نیست.

■■■

«چند قطره خون» به شرایط اکران رسید

کارگردان مستند «چند قطره خون» از اکران این مستند در حوزه هنری خبر داد. این مستند درباره پرونده خون‌های آلوده‌ای است که از طریق فرانسه به ایران آمد و باعث شد تا بسیاری از هموطنان به بیماری ایدز مبتلا شوند. این فیلم جنجالی که به دلیل سفر فابیوس به تهران از برنامه اکران خارج شده بود، بالاخره در حوزه هنری رونمایی می‌شود و قرار است عصر یکشنبه ۱۸ مرداد از ساعت ۱۷ در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به نمایش درآید.